

بن حنیفه رضی الله عنه کت وی در آجر صنوفت فرمود کرای فرزند
مرا دمن ابو مسلم خولانی نیت مقصود من صاحب جیش است که
از جانب مشرق بار بایات سیاه بید آید و چندان خار بکند که
خدا صحتک بواسطه وی حتی را در مرکز خود قرار دهد خوشا وقت
آنان که با وی موافقت نموده در اعلامی دین و کونشاری طامان
جند و جهنم نمایند **واذا تجل آنت** که چون حضرت امیر کرم الله
اهل کوفه را بنیاد رضی محمد بن ابی بکر رضی الله عنهما سخن کرد
و اجابت نمودند کت با رعد ای کسی را برین طاعت مسلط گردان
که هرگز برایشان رحم نکند یا کت غلای از قیاف برایشان نکار
همان شب حجاج در طاعت متولد شد و با اهل کوفه رسیداری
آینچ رسید **واذا تجل آنت** که روزی معاویه رضی الله عنه
که چگونگی توان کرد که عاقبت کار خود را بدینیم حاضران مجلس گفتند
ما طریق دانستن این را نمی دانیم کت من آنرا از علی معلوم توانم
کرد که هر چه بر زبان وی گذرد حق تواند بود نه باطل سرتن استبدان
خود را طلبید و کت با یکدیگر بروید تا یک وصل از کوفه و از آنجا
هر یک بعد از دیگری بکوفه در آید و ظهر که مرا باز گوید و کین
ی باید که همه با یکدیگر شفق باشند در ذکر سبب و روز و روز
و ساعت آن و موضع قبر و گذارنده نماز و غیر آن آن سستی چنانکه
معاویه گفته بود روان شدند چون نزدیک بکوفه رسیدند یکی روز

اول

اول در آمد اهل کوفه از وی پرسیدند که از کجای رضی کت از شام
گفتند خبر چیست کت معاویه وفات یافت پیش حضرت امیر کرم الله
آمدند و آن خبر را باز گفتند بان الثقات نمود بعد از آن روز دیگر
دیگری آمد و وی نیز خبر وفات معاویه کت با امیر گفتند بیچ گفت
روز سیم دیگری آمد و وی نیز موافق ایشان کت با امیر رضی الله
عنه گفتند که این خبر تحقیق شد و بهت پیوست امور کسی دیگر آمد
و موافق آن دو کس پیشین خبر وفات معاویه باز کت حضرت
امیر کرم الله و جهنم فرمود که کلا کوی میرداماد کاین و اشارت
بجاسن خود کرد ازین و اشارت بهر خود کرد خضاب کرده نشود
و رنگین نکرد و این لایکه لاکباد بان ملاعبه کند آن ستن
این خبر را معاویه بردند **واذا تجل آنت** که دیگری از خطبه
خود اشارت بواقعه بعد از کرده است و گفته است که کویای بنیم
یکی از بنی العباس را که ویرا کشند سببی کت تتران قربانی را بقر با نگاه
گشتند استطاعت آن ندارد که آنرا از خود دفع کند وای بروی
وای بروی چه خوار شده است در میان آن قوم سبب آنکه او را
امر در در کار خود را گذاشته است و روی بدینا کرده بعد از آن
سم روان خطبه گفته است که اگر خواهم شمارا خبر دهم از نامهای
ایشان و کتیههای ایشان و عملیههای ایشان و مواضع قتل
ایشان **واذا تجل آنت** که روزی عبدالرحمن بن بلجم را